



برنامه خاموشی تهران

شرکت توانیر پس از ۴ سال بار دیگر در اطلاعیه‌ای از شروع قطع برق زمستانی خبر داد. شرکت توانیر در اطلاعیه‌ای رسمی بیان کرد: باتوجه به شروع فصل سرما و افزایش مصرف گاز در بخش خانگی و محدودیت تأمین سوخت گاز نیروگاه‌ها و مطابق تصمیمات اتخاذ شده مبنی بر عدم مصرف مازوت در برخی از نیروگاه‌ها، ضمن تأکید بر صرفه‌جویی جدی در مصرف گاز و برق، مشترکان محترم می‌توانند جهت اطلاع از برنامه زمان‌بندی اعمال محدودیت برق در بخش خانگی و تجاری به وبسایت شرکت توزیع نیروی برق مربوطه یا سامانه «برق من» مراجعه کنند. به گزارش فارس، روند پر شدن ذخایر سوخت نیروگاهی بر خلاف سال‌های ۱۴۰۰، ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ از شهریور امسال نه‌تنها متوقف شد، بلکه ۵۰۰ میلیون مترمکعب هم کاهش یافت. این برنامه بین ساعت ۹ تا ۱۷ عصر خواهد بود و توزیع خاموشی‌ها به صورت برنامه‌ریزی شده و منظم صورت می‌گیرد.

ادامه سر مقاله

وی معتقد بود که: «حلقه‌های وابستگی اقتصاد ایران به آمریکا و حتی اروپا محدود است و روابط اقتصادی بالایی با آنها نداریم. بنابراین، انتخابات آمریکا و ریاست جمهوری ترامپ به صورت مستقیم اثر زیادی بر اقتصاد ایران ندارد و همانطور که پس از انتخاب ترامپ شاهد بودیم نوسانات بازار ارز کمتر از یک درصد بود. باین حال، از نظر اثرات غیر مستقیم، اقتصاد آمریکا اقتصاد بزرگی است و بر اقتصاد تمام جهان اثرگذار است. ارز ما کمتر از یک درصد کاهش ارزش را تجربه کرد که یکی از کمترین واکنش‌ها را نسبت به ارزش‌های سایر کشورهای جهان نشان می‌دهد. اقتصاد ما در همان روز اول نشان داد که در برابر این اتفاق (روی کار آمدن ترامپ) تاب‌آوری بالایی دارد. اقتصاد ایران، اقتصاد ۸ سال پیش نیست که انتخاب ترامپ اثر زیادی بر آن داشته باشد.»

به نظر می‌رسد که این سخنان اگرچه تا حدی دلگرم‌کننده است؛ ولی از یک‌سو، واقعی نیست و از سوی دیگر، فقط تحلیلی و توصیفی است. در حالی که مردم نیازمند پاسخ‌های سیاستی هم هستند. در واقع، هر تحلیلی می‌تواند این‌گونه سخنان را بگوید و مردم هم شاید تحلیل او را بیشتر بپذیرند؛ ولی به دلایلی مردم اعتماد چندانی به تحلیل‌های مسئولین ندارند. لذا آنها باید از سیاست‌های خود سخن بگویند که در این گفت‌وگو عملاً خبری از آن نبود.

اولین پرسشی که باید نزد مردم پاسخ داده می‌شد این است که آیا ترامپ همان رفتارهای ۸ سال پیش را ادامه خواهد داد یا ترامپ دیگری مواجه هستیم؟ در هر صورت، ترامپ چه تهدیدها و فرصت‌هایی برای اقتصاد ایران محسوب می‌شود؟

شواهد مهمی هست که نشان می‌دهد ما باید انتظار ترامپی متفاوت از ترامپ ۸ سال پیش را داشته باشیم. روز گذشته و تنها سه روز پس از پیروزی ترامپ اتفاق مهمی رخ داد. ترامپ در آخرین موضع خود صریحاً اعلام کرد که: «من از نیکی هبلی، سفیر سابق آمریکا در سازمان ملل یا مایک پمپئو، وزیر خارجه سابق کشورم برای پیوستن به دولت ترامپ که در حال حاضر در حال شکل‌گیری است، دعوت نخواهم کرد.» همه می‌دانیم که این دو نفر در کنار جان بولتون مثلث ضد ایرانی را در دولت اول ترامپ تشکیل می‌دادند. آنان نه‌فقط درباره ایران بلکه نسبت به موضوعات دیگر هم مواضع رادیکال و تندروانه‌ای داشتند که در نهایت، منجر به جدایی جان بولتون از ترامپ شد؛ ولی دو نفر دیگر در دولت اوباما ماندند. اکنون ترامپ به‌جایی رسیده که نه‌تنها دو نفر باقیمانده را به دولت خود دعوت نمی‌کند؛ بلکه در اولین فرصت نیز آن را رسماً اعلام می‌کند. این خبر مثبتی به‌ویژه در رابطه با موضع احتمالی ترامپ در مورد ایران است. ما معتقد نیستیم که ترامپ لزوماً تغییر مهمی خواهد کرد. از این نظر، می‌توان فرض را بر بدترین سیاست‌های او گذاشت و خود را برای آن آماده کرد؛ ولی آن روی دیگر سکه هم مهم است و نباید راه را بر احتمال سیاست‌های متعادل‌تر از سوی ترامپ مسدود بدانیم. اگر آقای رئیس کل بانک مرکزی، چنین رویکردی را به‌طور مستدل و بر اساس شواهد می‌گفت، نقش بیشتری بر آرام‌سازی فضای ذهنی و روانی مردم داشت.



ضربه تاجر به اقتصاد

ارزیابی کارشناسان از گفته‌های
محمدرضا فرزین رئیس کل بانک مرکزی
درباره کم‌اثر بودن انتخاب ترامپ
بر اقتصاد ایران



مریم رحیمی
خبرنگار هم‌میهن

«چون با جهان تعاملی نداریم، پس اینکه ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا شود کم‌اثر آن چنانی در ایران نخواهد داشت»؛ از آن دست اظهارنظرهای عجیب و غریبی است که از زبان فردی که پیش از این گفته بود: «چه اشکالی دارد اگر اف‌ای‌تی‌ای خودمان را داشته باشیم» مطرح شده است؛ مدیر عالی‌رتبه‌ای که همین هفته پیش، خبر ابقایش در سمت ریاست بانک مرکزی اعلام شد و به گفته کارشناسان با اضافه کردن ارز ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی، همان اشتباه مدیران قبلی را برای چندمین بار، تکرار کرد و قرار است حالا نرخ ارز کالاهای اساسی را به ۳۵ هزار و ۵۰۰ تومان برساند. تقریباً همه اقدامات فرزین در بانک مرکزی، تکرار سیاست‌های پیشین در بانک مرکزی بود و احتمالاً هر نقدی که به رؤسای قبلی بانک مرکزی وارد است، به فرزین هم وارد می‌شود. در واقع فرزین در بیشتر سیاست‌ها با رؤسای قبلی بانک مرکزی تفاوتی نمی‌کند جز اینکه در دولت قبل، از شدت تحریم‌های زمان ترامپ کاسته شده بود و درآمدهای نفتی که در دولت دوازدهم به شدت کاهش پیدا کرده بود، بهبود یافت. فرزین این شانس را داشته که از فشار حداکثری تحریم‌ها کم شود و بانک مرکزی توانسته ارز حاصل از نفت را مورد استفاده قرار دهد. قطعاً اگر شرایط تحریمی با دوره دولت قبل یکسان بود، فرزین و دولت سیزدهم نیز با مشکل مواجه می‌شدند. ذکر این نکته آن جایی حائز اهمیت می‌شود که بدانیست احتمالاً با روی کار آمدن ترامپ و تشدید تحریم‌ها، شرایط بغرنجی که در دولت دوازدهم بر اقتصاد کشور سایه انداخته بود، دوباره تکرار می‌شود. مجدداً، اهمیت روی کار آمدن ترامپ و تشدید دوباره تحریم‌ها آن جایی مشخص می‌شود که بدانیست، ادامه سیاست‌هایی مانند تخصیص ارز ترجیحی، احتمالاً با شروع ریاست جمهوری ترامپ سخت‌تر شود.

البته بر کسی پوشیده نیست که فساد حاصل از ارز ترجیحی، تا چه اندازه اقتصاد کشور را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد؛ بنابراین فساد ارز ترجیحی، سر جای خودش هست اما اینکه دولت تا چه زمانی می‌تواند این ارز را برای کالاهای اساسی حفظ کند، به این بستگی دارد که درآمدهای نفتی چگونه باشد؛ اگر دولت بتواند مثل چند ماه گذشته نفت بفروشد و ارز حاصل از آن را در اختیار بانک مرکزی قرار دهد، دست دولت برای تخصیص این ارز به کالاهای اساسی بازر است اما در غیر این صورت، احتمالاً دولت چهاردهم و بانک مرکزی به ریاست محمدرضا فرزین، دچار مشکلات جدی شوند.

دشمن را کوچک شمارید

فرزین در گفت‌وگوی تلویزیونی گفته بود: «در مجموع حلقه‌های وابستگی اقتصاد ایران به آمریکا و حتی اروپا محدود است و روابط اقتصادی بالایی با آنها نداریم. بنابراین، انتخابات آمریکا و ریاست جمهوری ترامپ به صورت مستقیم اثر زیادی بر اقتصاد ایران ندارد و همانطور که پس از انتخاب ترامپ شاهد بودیم نوسانات بازار ارز کمتر از یک درصد بود. با این حال، از نظر اثرات غیرمستقیم، اقتصاد آمریکا اقتصاد بزرگی است و بر اقتصاد تمام جهان اثرگذار است. پس از انتخاب ترامپ برخی از رمزارزها و ارزهای دیجیتال تا ۲۰ درصد نیز افزایش قیمت تجربه کردند و ارزش یورو کاهش نسبتاً

آسیا، از جمله چین، صادرات نفتی را به نحو حفظ کند. به همین دلیل هم شروع به ارائه تخفیف‌های چشمگیر بر بشکه‌های نفت کرد؛ تا جایی که برخی از منابع محلی به رویترز گفته بودند که چین به‌عنوان بزرگ‌ترین خریدار نفت ایران، بین ۹ تا ۱۰ دلار تخفیف می‌گیرد. به هر روی، چین نقش مهمی در کاهش اثر منفی تحریم‌های نفتی ایفا کرد اما این روند هم چندان دوام نیاورد و کشور مجبور شد برای مبادله با چین، دست به مبادله کالا با کالا بزند یا اینکه به جای دلار، از پول‌های محلی استفاده کند که خود این امر هم آسیب‌های زیادی برای اقتصاد کشور داشت. مقامات رسمی کشور بارها به شکلی واضح بیان کرده‌اند که به جای پول نفت، کالاهایی مانند چای سریلانکا، پشم، پنبه، انبه، گندم و... وارد کشور می‌کنند. محسن رضایی، معاون اقتصادی وقت دولت سیزدهم، در ابلاغیه‌ای حمایت خود را از تهاتر نفت با کالا اعلام کرده بود.

سیاست‌گذاری بایستی متفاوت باشد

به گفته کارشناسان، واکنش دولت باید با توجه به کنش ترامپ، متفاوت باشد. حسن گلمرادی آدینه‌وند، عضو هیئت‌علمی موسسه عالی آموزش بانکداری در پاسخ به این پرسش که آیا مانند آقای فرزین معتقدید ترامپ تأثیری بر بازارهای پولی و مالی ایران نخواهد داشت به هم‌میهن گفت: چنانچه سیاست‌های دولت ترامپ توسعه تحریم‌ها و ایجاد موانع تجاری و مالی برای کشور باشد شبکه بانکی نیز از کانال بودجه و سیاست مالی و تجاری تحت تأثیر قرار می‌گیرد. کانال نرخ ارز یکی دیگر از کانال‌هایی است که می‌تواند بر سیستم بانکی اثرگذار باشد. در مقابل چنانچه حذف تحریم‌ها و کاهش تقابل که در برخی صحبت‌های ایشان ذکر شده است دنبال شود می‌تواند در اقتصاد و شبکه بانکی فرصت‌هایی را ایجاد کند. بنابراین بسته به نوع سیاست‌های مختلف توسط دولت ترامپ در تعامل با ایران نوع سیاست‌گذاری بایستی متفاوت باشد. در حالت سیاست‌های تقابلی توسعه ارتباطات مالی با کشورهای بزرگ دیگر و همسایگان می‌تواند در کاهش اثرات موثر باشد.

نمی‌توان گفت ترامپ تأثیری ندارد

حتی کارشناسان خوش‌بینی که معتقدند بانک مرکزی عملکرد خوبی از خود نشان داده، بیان نمی‌کنند که روی کار آمدن ترامپ، مطلقاً هیچ تأثیری بر اقتصاد کشور نخواهد گذاشت.

حجت‌الله فرزانی، کارشناس پولی و بانکی در همین باره توضیح می‌دهد: به لحاظ روانی و با توجه به اینکه روی کار آمدن ترامپ قبیل از این هم پیش‌بینی می‌شد و همچنین ریسک‌هایی که در کشور ما پیش‌بینی می‌شد، کشور تحت تأثیر این موضوع قرار نگرفت. لذا می‌توان گفت که این رخداد سیاسی با پیش از این تأثیر خود را در اقتصاد ایران گذاشته بود یا اینکه کشور چنان درگیر مشکلات گوناگون است که دیگر نمی‌توان نگران بود که روی کار آمدن ترامپ چه تأثیری می‌گذارد.



او می‌گوید: بدون تردید مهم‌ترین عاملی که در بازار ارز ایران نقش بازی کرده و روند قیمت‌ها را به سمت افزایش سوق داده، افزایش چشمگیر تنش‌ها، هم در منطقه خاورمیانه و هم در بخش‌های دیگر جهان بوده است. این تنش‌ها البته در مواردی ایران را بیش از دیگر کشورها و اقتصادها درگیر می‌کند. به همین جهت در برهه‌هایی به وضوح می‌توان مشاهده کرد که سطح نوسانات ناشی از تنش‌های سیاسی و نظامی در ایران بیش از دیگر کشورها می‌شود.

به گفته فرزانی بازار از عوامل گوناگونی خط می‌گیرد. از

زیادی داشت و این در حالی بود که ارز ما کمتر از یک درصد کاهش ارزش را تجربه کرد که یکی از کم‌ترین واکنش‌ها را نسبت به ارزش‌های سایر کشورهای جهان نشان می‌دهد.» با این حال بسیاری از کارشناسان معتقدند که انتخاب ترامپ، منجر به مشکلات عدیده می‌شود اما روز گذشته روزنامه کیهان در مقاله‌ای نوشته بود که تفاوتی ندارد چه کسی رئیس‌جمهور آمریکا می‌شود. با توجه به تجربه‌های قبلی ایران در مواجهه با ترامپ نمی‌توان صحت چنین ادعاهایی را پذیرفت. چراکه مثلاً کامران ندری، اقتصاددان پیش از اینکه ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا شود، گفته بود: «این جور انتخابات، بیش از اثر عمیق و ماندگار، یک اثر روانی گذرا خواهد داشت. بعید است که با انتخاب ترامپ شاهد تغییر بنیادی باشیم؛ بنابراین در لحظه انتخاب ترامپ، تغییر خاصی رخ نداده است. برجام که سر جایش است و بقیه مسائل هم تغییری نمی‌کند؛ پس تنها می‌توان منتظر یک واکنش لحظه‌ای بود. این اثر روانی هم، یعنی مردم گمان می‌کنند ممکن است در آینده اتفاقی بیفتد. بسته به اینکه چقدر بازارهای ایران می‌تواند تحت‌تأثیر عوامل روانی باشد، از خودش واکنش نشان می‌دهد و این آثار روانی براساس میزان تاب‌آوری هر بازار ماندگار می‌شود. اگر هیولاری انتخاب شود، چون فرض بر این است که همسان روند اوباما ادامه پیدا می‌کند، اثر روانی خاصی، چه در کوتاه‌مدت و چه در بلندمدت بر بازار نخواهد داشت؛ اما اگر ترامپ انتخاب شود؛ چون سخنانی مبنی بر قبول نداشتن برجام زده است، حتماً در کوتاه‌مدت شاهد تکانه‌هایی در بازارها خواهیم بود.» اما همگان دیدند که بعد از انتخاب ترامپ، او خیلی راحت از برجام خارج شد. درست شبیه به احمدی‌نژاد که تحریم‌ها را کاغذپاره خواند، به اقتصاد لطمه وارد کرد. بنابراین اولین درس رویارویی‌های قبلی همان است که بزرگان بارها گفته‌اند: «دشمن را بسیار بزرگ ندانید اما او را کوچک هم شمارید؛ هر چند که ناتوان باشد.» به همین دلیل شاید بهترین مواجهه با ترامپ، پذیرش معاهده‌هایی مانند اف‌ای‌تی‌اف و بازگشت در لیست‌های سبز باشد.

دوران روحانی که ترامپ بر سر کار آمد، چه شد؟

از زمانی که ترامپ از معاهده برجام خارج شد، فشار زیادی به اقتصاد کشور تحمیل شد. تحریم‌های گسترده ترامپ علیه ایران، به‌خصوص در بخش‌های مالی و نفتی، سبب کاهش شدید درآمدهای ارزی و تشدید مشکلات اقتصادی در کشور شد. دولت و بخش‌های مختلف اقتصادی ایران راهبردهایی برای کاهش اثرات منفی این تحریم‌ها به کار گرفتند. به نظر می‌رسد پیروزی ترامپ در این دوره از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا همچنان بر اقتصاد ایران اثرگذار باشد. برای مثال اگر دولت نتواند ارز نفتی به دست بیاورد، چطور ارز را در اختیار واردکنندگان قرار دهد یا اینکه تا چه زمانی می‌تواند به سیاست تخصیص ارز ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی ادامه دهد؟ پرواض است که یکی موارد مهم که اثر بسیاری بر وضعیت رشد اقتصادی ایران، دارد، میزان صادرات نفتی است. نفت به‌عنوان منبع اصلی درآمدهای ارزی دولت ایران محسوب می‌شود و بنا بر تجربه، تحریم‌های نفتی ترامپ آسیب شدیدی به اقتصاد کشور وارد کرد. با تحریم‌ها و کاهش دسترسی ایران به بازارهای بین‌المللی نفت، دولت با کاهش شدید درآمدهای نفتی مواجه شد. از آن جایی که ایران کشوری است که عمده درآمدهای خود را از راه فروش نفت به دست می‌آورد، دولت در آن زمان تلاش کرد که با حفظ بازارهای خود در کشورهای شرق

